

کوهستان

دوشنبه ۷ مرداد ۱۳۲۵
۲۹ خبان ۱۳۶۵
۲۹ زویه ۱۹۴۶

روزنامه ییچ دوشنبه جزیب جیتی بسکی ندارد

روزهای دوشنبه منتشر میشود

آیا کردستان نفرین کرده است؟

هر روز با علاقه مفرطی گوش بر آوازیم تا شاید از میان هزاران شکایت و فریاد مردم یک رسالت در میان این دره‌های بی‌کران اوضاع خراب لدانی ازسالم دور دست لیاقت بشنوم تا آنرا مایه تسکین قلب خود قرار داده به ملاقات آن هم توبه دهیم که هنوز نباید تا امید شد.

انوس که تا این ساعت خنک روزی کوچک امید نابایان نگردیده و تعویذ در اوضاع کردستان فراهم نشده - منتقله ستر پیمان حال باقی و فاش همچنان ادامه دارد شخص معلی اوضاع آنجا نیکنگت که گذشت از آنچه بوده و ادامه دارد با وجود غویی محصول اسمال خطر تعطیل این منطقه را تهدید میکند زیرا محصول این ناحیه قبل از نسل درو اغلب از میان برده شده و اگر اردوهای بزرگ نیروی دمکرات و قوای دولتی تا چندی دیگر به همین وضع در این منطقه بیاند شک نیست که شیب آذوقه در سایر مریقه ها نیز افزوده شدو اگر محضرومی هم در مردم مانده باشد تمام این ایزرکت این اردو ها از میان خواهد رفت.

آن مطلع منتقد بود که پیش از یکی دو ماه طول نخواهد کشید که از آثار خود قطعی در این ناحیه همدا گردد.

ماهیچیز را بسوق نکرده ایم این ذکر آن شاید در هنگام یادآوری تلخ باشد ولی اگر درست دقت کنید و اصاف را از دست ندهید خواهید فهمید که این آذوقه ها بقمه خدمت است تا قصد خدمت بخشش یا مقام نداشتیم ما خود را خدمتگزار جامعه میدانیم و هر چه منویسم فقط برای تکمیل سعادت این جامعه است حال در این و امر که با ما موافق بوده و خواست خدمت کند فضا پیشینان از او خواهیم بود و اگر از او حقیقت منحرف شد ناچار ما آن راه خود را میانه ادامه خواهیم داد.

فرب بکسال و فرب از انشار روز نامه کوهستان میگذرد در همه حال ما این رویه را ادامه می دهیم تا هنگامی که در ما افتخار خرد نکنند همین نوعی اوسیم و تا موقعی گفته نشود فرامادان بنده خودی از آن بردی که جز سعادت جامعه ییچ ملی نخواهد کرد.

متاسفانه همه در فکر سعادت مردم

مسئله کرد در عراق

«این مقاله بقلم آقای دکتر جعفر محمد کریم در شماره ۵ روزنامه سیاست ارمنان حزب اتحاد وطنی عراق چاپ بغداد تکثیر شده یافته است»

در کشور عراق دولت همه مدعی و کسود سکونت دارند. چهار عرب و عرب دو جنوب و غرب و یک میلیون کرد و در شمال و شرق. از زمانهای خیلی قدیم همواره بین این دولت روابط و مصالح مشترک وجود بوده و علائق بین آنها با اقتصادی و مثبت زمان و حکومتیهای مختلفه گاهی بسیار دوستانه و زمانی هم کدورت آميز ميشده است. پس از خانه جنگ بین الملل اول که تشکیل یک دولت با مرزهای فنی در عراق مقرر گردید این دولت در کشور جدید ملیت آنگریک خوب و بعضی و بسوج و بنسروات قوانین موضوعه دارای یک حقوق و یک وظیفه گردیدند. ولی از آنجائی که ابتدای تشکیل دولت عراق تا امروز همیشه دولت‌های وقت دست داشته اند و نفوذ مقامات استعماری بوده و تا کنون هیچ سکوتی بر طبق سناپل و مصالح اهالی عراق تشکیل نشده اغلب مواد مهم قوانین تنظیم و بوجع اعراب در تاسمه و از این راه هر دولت عرب و کرد دچار وضیت ناگواری شده که آنها را بحالت فقر و جمل و عقب ماندگی و بیاری که امروز مشاهده میکنم رسانیده است.

ملمت کرد علاوه بر مصاب صوملی فوق دچار ناشی از اشکالات دیگری هم بودند که ناشی از اختلاف ملیت بود باین منعی که چون دوعراق اکثریت با ملت عرب میباشد مقام استعماری این اکثریت را واسطه فشار و تحریک پس از اقلیت کرد فربز داده که بان وسیله

پسندند، همه حاضر نسی شوند متامع صوملی و این برتری صوملی ترجیح دهه نه می خواهند دست فکرت کند حقیقت را بشنوند کسانی که متناشان با این ایشاق روز نامه کوهستان در خطر است از اقداماتی که می توانند در علیه ما انجام دهند فرارگزاد نکرده و نسی نماینده هر چه بتوانند و بداندت که همین است ما را از زمین بر زمین بکنند هر چه بتوانند گنه آنها را پیشینانی که می نویسد مردم را بیادنددر نواحی که قدرت دارند از او خواهند فریاد ما متامع پیشینانی ولی با تمام اینها ما سعادتیم کنیم و بدون توجه باین تحریکات کرد گناه که جز غیبات بملکت چیز دیگر نمیتوان نام کردارد کار خود را ادامه میدهیم و اطمان روزیم چون حق بااست موافق خواهیم شد.

بایه در صفحه ۹

کسب که ما نزدیک به هر صوملی محصول هستیم اگر دولت عراقت نسی شود و با عسای دقیق فکر آذوقه نوبی خود و ما کتب این منطقه بیاندند ما در دیگر کسوف و ایران بر میانه ملت ما علاوه ستر و اعلا از کلیه نقاط کشور میزرا خواهد بود و در تسلیم نمودن مردم به مرگ خواهد بود و پیش نخواهد داشت آنها هیچکمال گذشته و سرفروده و مشکلات زندگی مردم را بدیده و مشورتی همی هم در این زمینه بر عهد اردن اسمال باید پیشینانی وضع خطر فاش آنجا را ندوده افلاز ننگند درمان بیچاره ای از فشار جان بدو برده اند از مقابل تعطیل جان بیچاره.

در متسلط و در زیر برده سکوتی که در سایه حکومت نظامی شده بر اوضاع کشیده شد افکار اصلاح طلبان در حال اشتقاق و حتی تسخیر مردم برای

تفسیر تحولات سیاسی

وینا و ایران در بنفشه کدو

خیر، جنگ آینده از فلسطین شروع نخواهد شد

«مقصود از تشکیل یک میهن ملی در فلسطین، اینست که اظهار شده نه آنستکه ملت یهودیان بر سایر ساکنین فلسطین تحمیل گردد. البته نباید از مهاجرت یهودیان جلوگیری بعمل آورد ولی در عین حال هم عده آنها نباید چندان زیاد باشد که بر ظرفیت اقتصادی مملکت قزولنی یابد»

۱۹۳۲-۱۹۳۶ و بنیه این بحث سیاسی میانه برای هفت آینده

دو ایران عاچه میگردد!

جهان تحولات سیاسی بگفته اخیر ایران دو انضوول میثوان نشان داد. ایران دو زیر پرده مسای ایهام و تازی بر انتظار و عیبی را میگردد. و هر از انتظار میروند طولانیهای سیاسی بر خاسته و یک برده ملی شروع کرد. آینده چه بر خواهد داشت معلوم نیست ولی هنوز میثوان پیشرو کم نیست به آتی امید وار بود

شبهی ایران را فرآ میگردد

فتنه جنوب و سایر ممالک روم و روسان بریتانیایی به آبهای خلیج فارس سیار معلول و گنگو و بیست محافل مطلع زلفی و خارجی است.

اظهار شد دولت موسوی بود است که انگار او جلب موقوفه نمود اگر این روش ادامه پیدا کند، گفته شد از اینکه دریا با زود عسکری مسلح ملی طیبی آن بوجود خواهد آمد اعتراضات شورای امنیت و سایر محافل بین المللی بلند خواهد شد این فتنه و تصادفهای طیبی آن با زود مسائل دیگر آنچه را که واقعا در زیر پرده مسای ایهام میگردد آشکار سازد دل تاریخی مست و زور درازبانه و در شیکه تاریخ و عسکری مهم آهنگی چه با و احزاب ملی تاج و راه نفوذ جستن بر این مشکلات است

از گروستان

خیر تازه گردستان ورود آتای جنگ خلیج اهن تقنینی به تهران است نسبت باین مسامرت بی سابقه و علاقه مقامات مسامرت باینستز بود که مسامرت این مسامرت هفت های آینه عملی و دل ابد است با توجه باوضاع گردستان موری مل نشود که محیط بیرون سقا را ابراهامی تیر تیر بپوشاند

بیان تحولات سیاسی جهان

کنگره صلح امروز سانه گان ۲۶ دولت در پاریس شهر آزادی که گره آمده بیندایی صلح بی دل نلوب و همکاران سیاسی و ملی میورد ویردمی میکنند پس از آن گراسی انترناسیونستی از بیندایی صلح بوسیله معاون پنچوزیر تنظیم و در کنفرانس سبارس و لندن اغلب از مواد آن تصویب گردید و

دو هفته پیش نوشتن فریاد است بود و هر اهل فلسطین جنگ وجود دارد و تا با امروز سیاست بیگناخت و توتویک و پوز وادی باخر نه نگذاشته است که اهراب و یهودیاری تمهید حساب و سامتان با یک فلسطینی فو لن حاضر شوند و اشاره نمودیم که فرمولهای سیاسی ۳ جوهر گراسی عربیه دیسگر در اپراتورا سیاسی فلسطین نتوانه بود عمل قرار گیرد بلکه تاریخ مبارزات اجناسی خواه تا خواه و سرانجام به نیت از اصول مسلم تحولات تاریخی با یک هم آهنگی دلپذیر در اینستز هر میا هو ایجاد و کشککش ها به یک آرایش دلپذیر تبدیل و بر فراز دره های کنونی به میهن «ملی یهودی اعراب» تشکیل خواهد یافت

تایید گردید که مفهوم این کنتر از تا نیک و روش سیاسی که قبل قرار پذیر بود روشن میگردد و نشان گیری به تاریخچه مذاعات و اختلافات بین این دو قوم زده و آغازین مفاسد تاریخی را با مطالقی دیگر شرح و بیان برای تکمیل این بحث پایه ارتباط و تحولات سیاسی و فعالیت های بلوک آنگلو آریمن و داروسین متعلقه در آشوب آتالیوز صلا می خواهم نمود

پس از تسلط اهراب بر فلسطین آتفر اهراب بر فلسطین مستم و آزاد نشود تا عند زمامداری از یهودیها از آتیا مهاجرت و فلسطین و فلسطینی مشورت و ویرانه شعوس اذاین واقه اکثریت اهراب بین از اینستز ملد باقیانده فلسطینی نیز مرتب ممالک فلسطین تا شامیلیا آتیا رانغ و در نتیجه فعالیت های یهودی میباید پای اهراب بنشینند باز شد

از سال ۱۹۱۵ میلادی اهراب انقلابی بر پا و در سالیهای آخر جنگ یهودیان داخل فلسطین را اشگر «اللی» که بنشیند و اهراب دیگر پس کردی و در ضمن همین به ملی شامیلیا برود نموده و با کمکهای خوین سرانجام اهراب و مورده و فلسطین آباد وجود ارضی نمایان کرد. ولی اهراب قبل از این قیام قبل از اینکه با متفقین همدست شوند از آنکلیسا قول کرده بودند پس از پیروزی آتای گردید و انگلیس ها نیز صریحا قول داده بودند آتای عرب را محترم خواهند شمرد

خود تاملور وزیر امور خارجه بریتانیا دولتی اصلاحات منصفانه گردانید و مروج و تشکیل خاله ملی یهود را در پیشانی بدای آتروالامانود و عیون سیاسی عرب و یهود و عرب حسین - دکتر و ایمن - لیلر با رضایت مخصوص این اعلامیه را پذیرفت و حتی پس از پایان جنگ بین المللی روابط بین این دو قوم بسیار دوستانه بود و مخصوصا عربو انگلیسها زورورد سرمایه یهود به فلسطین خوشحال نظر میزدند زیرا اراضی فلسطین نیز از یهود خود را به باد گران به آتروالامانود خسته و خسته میبود و تاریخ همین استخراج یهود از آلمان بین سالیهای

و حتی دو روزنامه مخالف دولت که اغلب به مدد موکرات را انتشار داده اند توقف و بسکته جلب شده اند مهلا دولت قانونی و آزادی بودن انتخابات در اعلام نمود است

آزمایش یب آبی در دریا ناظرین میطرف انفجار بمب اتم در کشتی بالایشان و چنه نارنجیک در درون کشتی سیکتیک لنگر اهدانه بود و در بارسلو بلاتنی که بنجامین فرانکلین خود را ۲۷ ژوئن پتی سه روز قبل از انفجار تعیین یب اتمی بر فراز ۱۰۴ کشتی و در همین نقطه رموز چش گرفت تاخیر شده و منتظر دستورات ایستد بر یک شب اتمی را بلایچه خود قرار داده است

سرانجام دوخود ۲۳ متر دو زبر سطح آب انفجار صورت گرفت و آب با ارتفاع هزار متر صعود نمود و سبب انفجار شروع و باستانه پنج کشتی ناوها غرق گردید

میکونه قدرت تحریر این سب اخیر با دمات قبل بیچوهه نایل سنجش نبوده است و نامور اخیر نتیجه سنجش پیشتر و بهتری داشته است و مسامرت گفتار استیوان باور کرد و ملی برمال ایستد بر یک شب اتمی را بلایچه خود قرار داده است

آزمایش بسامت و این نامور سیاسی جانسور هرگونه مفاسد اجاوز کارانه را می نمود و هرگونه مفاسد مشرفی بود «یک حکومت کراسی فو لنی ملت بلوی با نام و مستقر در حکومت را دوست گرفت و رئیس جمهور و کارمنده دولتی را اعدام کرد این واقه تاثیر و نفوذ مهمی در دمای فلسطی خواهد داشت و باقیمانده حکومت جدید کینه قبل پیشتر اجماعی سبب را برای این دو ملت همدست کلارگری جهان با انتظار داشت

حرج بر ناردناشو

حرج بر ناردناشو نویسنده و اجماعی و متفکر بود که سالیها در فلسطین دورانی را گذراند بر بریتانیا و در فلسطی میکند دوران حال بر انتظار خود را جشن میگیرد

بر ناردناشو آتفر بطول عمر عقیده دارد که نیشود وادی است که غناس مکتب انجمنی وادی است و نظرات دلچسب دیگر او در این زمینه ایراد کرده این در متفکر سیاسی که مورسین و انسی و فانی میگوید که با یک حزب ضعی کلارگر بریتانیا و انگلیس میباید و یهود تمام تاریخ با یک میباید و یهودیها با یک ملت و انسی و انگلیس و فرقراری اصول سوسیالیسم مسرول گردید است امروز که در ایران دو زندگی گردانده کار خود چینی تربیت میبده از گروستان باوریده هدها و بیامیهای انتظار آتروالامانود و باین ترتیب توده های آزاد بشری در رهبر و دانشنده انجمنی خود که تمام هر جز از ازل حقیقت و بی نظار که انجمنی کلاری نداشت است درود میفرستد

از هه جا

هنوز فلسطین از فلسطین حل نشده است از دور جبارشانی از فلسطین است بریتانیا سیاست استعماری انگلیس با به در صلحه

وختی وارد ابودردشان هفتدشش
بشش کوه پیکر شیر افتاد که در خون
خود غلطیده بود .

سوفی نیز مجروح و خونین بر پشت
فخراننده بود. آن تاریخات در حیای مردان داشت
دیده نیشد خارزاده خانم سولی را کشته
پنهان از ارادار گریست ولی با نگاه پاک فکر
شیطانی بنفش راه پافت که آرام گشت و ناست
بگریزد پیچاره . هفت سال بود زن سولی
شده و هنوز دختر مانده بود و همین
جهت او نیز مانده بود و مردان در مردمان
سولی با همه زور و جانشین ترید داشت
فرد درودن بیته خلوت و ابوهی مش
اورا در برابر خود میبید و ویش از این
مکنی برای آرامش تصور میبای خود
لیفت تا اسلا وار ابدالعده
بروی مکتوبه مانده باشد

بلم آفای محد نانی

کنجینه گرانهای ادبیات کوه

بیت اول - لاس و خزال

مروس با هه حب و حیالی که
داشت دست برود و بنه ازار سولی را
بگشود کوهی از کثرت تفلا و زور
آزما می یا حریف توی بنجای چون جبر
خوبه و بر پشت شکار خود
عقاب رنه بود چشان خون آلودش را
آهت بگشود و چیزی را که فت لاس

تمام چشم برده دیدش بود پیش خود
دید : خارزاده خانم ناست نازین شود
بنه ازارش را گشود بود .
سولی دلاور دیگر اهل ویشه
سری را چای ناسته جع سفید و فکته
مروس واکرفت و پشت شهربن آهت
را سبجه گاه دامادی کرد و کام دل از

آن نازین بر گرفت و سپس داستان
اب چشمه سار آب خواست و گبر و فلا
فرز او پس از هفت سال برخش کشید و
خود را بر پشت شاسانه خارزاده خانم
از این انتقام عاشقانه لذت برد و بر سر
پوش بیای سولی افتاد .

لاس پسر سولی و خارزاده خانم بود و لطفه او در ههان

صبحگاه قهرمانی پسر پشت شیر
بسته شد
این بوده استمان بر چوده آمدن لاس
از قول آفای ترجانی زاده سال متن
نوشته اسکارمان و با ترجمه آن از نظر
خواننده گان عزیز میگردد اینم

حال به نقل متن نوشته اسکارمات با ترجمه فارسی آن می پردازیم :

احمد آفای پالک سپری نداشت . مسودآنا برادر او بود . او نیز
فرزدی نداشت . هر دو نشان خانم بود . خارزاده لاس را به احمدآنا پشید
خارزاده را به مسودآنا . خارزاد را بلق لاس درآورده . مادر لاس نامش
شده بود ده سال تمام احمد آفای بدبالی افتاد ولی شده باو شوهر نیگردد .
کثرت بیسپان برده است و بر مردان و دردم می شکست و می خورد . احمدآنا
فیروز یا آبا نیز بیسپان می خورد و با من اورا خواهم کشت . احمدآنا
چهار سال بود شده را به بقده نکاح خود درآورده بود ولی باو نودیکه نیشد .
زن کشت چسرا بن برده نیشد ؟ .. کت کاتو با دست خود بنه
ازارم و نکشانی من ترا تصرف نیشد کرد .

احمدآنا لیبی رز و پوفیه و چنگام رفت شیر باوی پیتر پرداشت
خارزاده احمدآنا را غلغ و سرت داد و او شیر را بر زمین زده بر سرش نشست
و سرش را ازین جدا ساخت . آنگاه خسته شد و بر پشت شیر دراز کشید و
خواهش می . فریاد حیون و زاری از مردم برخواست . گفتند شیر احمد آفانرا
کشت . زنی کشت من میروم با پدر مرا نیز بکشد و با انتقام احمدآفانرا باز
خواهم ستان . (زن این بگفت و) دست بخنجر برده چنگام رفت . وختی
رفت هیروا دید که افتاده و احمدآنا بروی او دراز کشیده بود گفت سم
عطا که شیر او دردم شکست و بر پشت خود نهاده است (زنی خوب نگاه
کرد) دید سر شیر ازین جدا شده است احمدآنا خواش برده بود . زن گفت
شاید این مرد بین اوردیک نیشد . من باید بدنام مرد است بایست و زله از ارش
را گشود .

احمدآنا چشش را باز کرد دید زشت بن زشت بند ازارش را می کشاید آنگاه
دی را ننگ دو بر گرفت و پشت شیر را سبجه گاه ماست و لطفه لاس پینگوه
بر پشت پسته شد سپس برخواست و پناه بازگشت .
خارزاده خانم لاس را بر پای هم فلفه کرده بودند . پس از هوازده سال
احمدآنا مرد و مسودآنا نیز وفات یافت شش سال برای احمدآنا و مسودآنا
غزاداری کرده پس از شش سال مردی (از ایل باک) برای فروش گوسفند
بسیان ایل سودیون رفت و در آنجا چشش بخارال (فرال) دختر ملائی افتاد
وختی به ایل خود بازگشت پس لاس کت . حیوان رهنا و تو صهرت را بیاطل
گشود آمدی . لاس کت چرا . این چسختی است که تو میگوئی ؟ . لاس گفت
خاطرات آباد من امروز خزال دختر ملائی را دیده ام که بنیه در بنیه آفتاب
می افتد این دختر فقط برای تو خاسته است . این برخواست ولایت پالک را
بها گداخت و سپس این سودیون رفت تا خارزارو چشش خود بیند . وختی آبا
رسید از اسب پیاده شه . جلو اسبش را گرفت و مرکشش را دو طویله بستند و
خودن بیضت ملائی رسید . ملائی کت . عا ، پور ، کجالی هستی ، . کت
فریان آمده ام توگری می . کت میبوس اهل کت هستی و سپر کیستی . . کت
گفت فریان از شتلان آمده ام . ملائی کت احمد آفای و مسودآفای پالک را
میسناسی کت غیر فریان نیسناسم . من از ایل ایلان نیشم . کت تقیان چاق
کردن بندم . . کت یس فریان . بندهم . کت گبند تبارک و قلابی بدست لاس
دانند و از آفرودیمه تقیان چاق کن ملائی شه . ده شب قلیانله کردی ناروزی
خزال آمد و از جلو چشش عبور کرد . لاس برحیده . این دختر کیست . گفتند
این خزال دختر ملائی است . لاس میگوید .

احمد آفای پالکی میگری بیو . مسود آفا برای بی و
اوش می بیو . هر دو نژادین مایله بود .
خولا یی بیو . خارا بیته افای . خارا بیته دا به مسود افای .
له کیان کار کردن لاسو خارزاد . دایکی لای لای بیو شه یی .
دسانان احمدآنا کوکت (سری یه بنه کرد . شه کت باقی ده
بیای و دشکانه . دی خوارده . احمد آفا کونی . دیان ده به امتش بخوا
یان از خه روی ده دکوم . چار سار لاس پوشه هتا یولانی ده کردت .
کونی . ای بوچی ایلانی من ناکی . کونی هتا به دست
خود پوشینه کیوه این تو ناگه به احمد آفا سرور بر کونی بیوه
زک شاری . شه دوستی به دواچه کرده گلی . خولا قتر احمد
آفای دا شاری خست . ملاته سری سری بری . مانوو بر لاس احمد
شاهه کی نوست خوش له کت . له خنکی یوه شین و گربان . کوتاب .
ده احمد آفای کونی . و نه کونی . این ده چه نام ده به
امتش بکوزدیان تولی احمد آفای ده کوم . زنده ستر اختیر
چوو دکشوی اگر چو نشای کرت . شه کوتوب . احمد آفا له
سری ده دیو (کوتوب و ت او شه کت کت یه شه لاس بیته غری داناه
نشای کت سری سری براده احمد آفا شوی له کونی . کونی خولا کی
ایلانی من ناکار نام بیلوه بیان بیوته . دوشینی گردوه
احمد آفا چاری هلنا نشای کرت . و نه کونی دو خیش ده کردوه .
احمد آفا هلنا سری له سریشته شاری گای . اجنالیس لاس بیته شازی
گوراده هلشان خاتونه ماله .
خارزاده خان و لاس له ماره کرابون . هتا دوازه سالان
ده پاشان احمد آفا مرد . مسود آفا ز مرد . شوشن ناز یی احمد
آفای و مسود آفای برایش شش سالان بیلوه کت چورلیس . چو
بیون علی سورینیان . لهوه چاری بخارالی ملا بیبان کونیو .
خاتونه کونی . لاس دهده به پیچه چوره . کونی بوچی واده ای
کونی ملا خراغیل . اوروزخالی ملا بیبان دیوه ده گل روزه دیوه ای
دکا . ایله هزار و پونجا که لاس هلستا و لانی پالکنا به به پشت
چو دیوه ای سودیان چاری شه خزال بکوه . اگر چه دیوه دایزی
جلوانی کرت و ولایه کیان بست وه .
بروشی چوه خدمت ملائی . کت هتا یی کت کوم دیوه ؟
کونی فریان خانومه توری به کونی خلگی کومی . کوری
کوی . کونی فریان گرنه کت خانوم . ملائی کونی . احمد آفا
و مسود آفای پالکی داناسی . کونی توربان عتار خلگی هتا
زان یی کونی تداراری ده تورانی بندگی . کونی به توربان ده
تورانم کیسه تبهان هتا یی لاس به تداراری ملائی .
شه دوا ای تبه کرت . دروه کی خزال هتا به هتا چاری
دا لاس کونی اوچه که به آفانرا اوچه خوالی ملائی . لاس دهده .

(۱) و دکوت دینا در غلطاست و میبایستی بگوید کورت
(۲) بیوغلاف است و می بایستی بگوید یو بر

تا اینجا مقدمه بیت لاس و خزال از کتاب اسکارمان بود که داستان ظهور لاس را تا همین جایی بیان کرد و چنانچه بنظر رسیده
اختلافاتی با متنولات آفای ترجانی زاده داشت . بهر حال پس از این مقدمه شری اصل بیت شروع میشود و از آنجا که میگوید : لاس دله ، آفتار عاشقانه
دواز و نیاز شهانی و دلباختگی هر دو آغاز میگردد و از این پس بیت با شعر میانی آهسته آهسته ادامه می یابد .

از سفر - پلم خورن کرد

حجاب چهره جان میشود غبار تم خودامی که از این چهره برده رفتیم آزادیخواهان ، جوانان روشنفکر سقز خطاب بشما است

شا که اکنون متجاوز از بیست سال است با صلواتی و شهادت و شهادت یکصد است آوردن آزادی نالید میکند شا که برای استفاده از سزای پای بهجت مترقی دموکراتیک مدت یکسال است خون دل میخورید شا که سراسر سوره از طرف دستگاه بی بند و بار ارتجاع که بیضه خنوز هم دوسفر جاد خود پالی است تحت مراقبت بود و بیگانه آزادیخواهی مورد اهانت و توبیخ و عیب و شکنجه قرار گرفته اند ، شا که هر روز خود را هزاران نوبت مرخصی ناموسی از قهر کرده امی حزب نیش ملی و ملیان آن شنید و توانسته اید بشکنید شا که شا که ...

اکنون که خود بیضه زهیر ارتجاع از هم گیسفت و دستگاه کنترل و نظارت هاید از هم پاشیده شده است . اکنون که سبب حجاب آقای نخست وزیر باطیب خاطر سبب نشی کل عرب دو مکررات ایران را اختیار فرموده و از آزادیخواهان دعوت فرموده که پیوستگی خود را با حزب اعلان اعلام داده .

اکنون که سران ارتجاع گرفتار سر بیخه آیین آزادیخواهان گردیده در زندان می نهند . بالاخره دو اتوبوس که مخصوصی هیئت دولت صلا با شما و نوبت اصلاح طایفه شاه آهنگی می نایند و معالین شما را تیبه سوده یا برندان میبرسته شاه را راحت نشسته و در نهایت مسافه کرایه تری می کنند ؟ شا غیال سیکتیکه که مرتبین و دهکتانور متناظره ای دور و دریدک شده و ناظر حلیات آزادیخواهان شا بود

شا و فراموش کرده با سکن است بیرون هیئت داده بگویند که شا و اشخاصی داند شکنجه آزار نموده اند . یا اگر کسی نداند بجز روزگار دریا ، دور پلغ آن پیاغه از لب سرف نظر کرده و پشتیبانی از هیئت مردمی و ایراد شایسته بشیده ، آنگاه آن سبب دارد ای هیئت باشی کلام در هیئت هیئت زبیر ، سبب بیزت و جاد و جلان آزادی ، اگر ندای هیئت آزادیخواهان سقزین غللی در آن کلمات آزادیخواهان از عهده در ارتداد و ایمان آن بی سادزه سستی در ارتداد رسوخید اناه شا کتای هیئت که جلوسر از همه در سرفش تپ ای اثرشای آن (مرتبین) واقع شده نمود و عقداست ملت آن را یتادی می ناموسی عقداست و همسماچون توانستند فلا هم منته شده و اینکه خود را از آن کلام دارد به بدون آشناید توان کلمتین دفاش از همه دیگر بنایند از

بین خواهیم رفت . پس شاه آزادیخواهان ، ای کسانیکه حاضرید با بیول مرادمدس دموکراسی از بل پائل جان دورج نشوده و برای پیشرفت مقاصد حزب دموکرات از هر کوه فداکاری که لازم باشد خودداری ننمایید

هر چه زودتر از حسن ظنی که جناب آقای نخست وزیر نسبت بشام آزادی خواهان داره اطلاع نموده نوری به حضرت ایشان اطلاع دهید که میل دارید آزاده کلوب حزب آزادی و رسا برای پیشرفت کار حزب فعالیت نماید . آنگاه شا که سقز متجاوز از هزار نفر هسته که مدتی خود روئخ شا از اشخاص هیئت که مستقیماً توباید مصغر در خدمت نمای توبهی برای جامه خودو سبب پام آید . شا کسانیکه هیئت که اگر خواهید دست مرتبین را از آزارها کوتاه کرده و خود برای اصلاح شئون انجمنی خود اقدام نماید شاکستی دارید . در سبب میان کورامی و سادزه توجبات امشده از پشتیبانی شمس جناب آقای نخست وزیر پاژدهای خود نایل آید .

غلامه آزادگان سبب تکبومیز او حال شراخج نیست با خدای تکرده مراد ما بخلاف مصالح ایران و ای زانم لال بر خلاف شاکستی و استقلال ایران فریز است که در این صورت چه درخواجند از شاکتر هرقدسی که برای پیشرفت نظریات خود درایم بماند ایست که تیفه بریده خود زده بدهد ساتت ملی خود و از همه بیشتر باریان خیانت کرده ایم و خدا را شکرمی گویم که بدهد آن بطوریکه

و با نعمت تربیت مطیع و اصول منطقی است که آزادیخواهان ایران هموا و خصم آقای نخست وزیر خودما آفرامی پسندند که در ایستوت دیرده کار کردون باصفای کلمه برداشتن از کلام برسته برسیم و اسامیرا خاگردان صابری ترسیدن نیست ؟ میدانم بین جیب سبب ما همواریکه خود شا میداند ما هموا مثل برادران آزادیخواه ابرامی خود میبینیم و سکن نیست بر خلاف استقلال که بیرون درامان برای ایران تاکنون نگه میداریم دست سرف درامی بلکه اگر لازم باشد پیشرو ارتجاع نیز بیک لباده در راه حفظ استقلال در سرف قوی است و ما نیز توانایم در روی اقداماتمان در آشنایه با تاسیس کلوب حزب دموکرات قیام نالیم . بنده بشا جواب خواهم داد که سادات استنار در دیای کنونی طرف بیاد بر نادر بر شا است بدون هیچ گونه بیم و هراسی کردم آمده تلنگر انا

برای حل اختلافات باید گردستان شمالی و جنوبی یک استان یکسیدل شود

اخیرا تسویب نامه هیئت وزیران دایر باینکه استانهای ۳ و ۴ یک استان نامی داشته باشند و در روزنامه ها مشاهده و باعث نهایت درجه تامل گردید. زیرا هاتطور که کلاً در آذربایجان و کردستان نوزده استان و فیروز و ایران باقیات رسیده که به سبب اختلاف مصالح و استقلال و تسامت ایران هیچگونه نظری نداشته و بگانه هدف ایشان داخل انتر. ازات و تسامت شتون خود بوده هاتطور باید بنده استکناکت که آنها هر کدام یک ایالتی مخصوص و داخل ایران با سزایان و آداب و رسوم علیحد و مشایری تسامت باین طریق صلاح است بر ای حل اختلافات ملی و صلح خود این دولتانی و آن است که هر یکت ست سزایان علیحد و در آمد و یک نوع اداره شون باین طریق دولت باشتی از فریز و زمین و دولت تمام ما کو و سهاقور که سکه آینهها ترک زبان هست یک استان بشام آذربایجان و از آرتار و خواجه و میاباد تا سنج و کرمانشاه که سکه خانت کرد زبانت یک استان بلام کردستان تبدیل و امشازاتی را که با آذربایجان مخلوط داده شده بآن دو استان و بالاخره بشام کوسیم و امضا نماید . اینکه با بهبان تقسیم بندی طلف دور زحمانی که فقط بشطور تخیلی و فشار باین دو اقلیت ایرانی اسیل تهیه شده بود سمل خود بتا بر این مصالح وسیعی و شمال و غرب و غرب ایران با این تقسیم بندی با نهایت نگرانی گرفتار است از خود آقای فوام السلطنت که برصدار آزادی است جدا خواستارند هر چه زودتر تمام قاطع کردتن ایران و یک استان تبدیل به یک شهیام قوس ایران و از دولت متون تسامت است است تا وقتکه این کیفیت صورت غلامی خود نگردد هیچگونه اختلافی مرتفع نشود و نواهد که از کردستان جنوبی ع خاتو

تعلیمیات

معیبت وارد بشانواده بر مظهری باعث نهایت تأمل ، بین وسیله باضای آن خاوادعتمتر مظهری همکار ارجمند آقای مصدو مظهری در روزنامه فرهنگ آزادی تسلیم میگویی .

چند خبر داخلی

مستطط همایونی
جناب امیر اسد افروغ مستوزیر برای اظهار تسودانی و هتات مخصوص بوجوب این مستطط عنوان جناب امیر اسد افروغ مستطط ششش با اعظام ش وزارت دتفن کبیده مدلول مستطط رباب کرده شاهنامه و ادارات دولتی ابلخ نایند .

کاخ سعد آباد دوم مردماه ۱۳۲۰

استاندار آستان پنجم
آقای اعزاز یکی فرما. اسزاین استان پنجم بشیران اخبار و معارفت اداری پنجم تسوزیری بر گردیده شده و باستان ایستان آذای ملای فرما. ارهدان بیست و نه اداری استان پنجم استتباب گردیده

فرماندار کردستان
آقای فرج آلف سردار منظم که اخیرا از طرف جناب امیر اسد افروغ مستوزیر با سرپرستی سرگردان کردستان مامور شده بود در هفت هفته گذشته بر نامه اداری این دو شهر متصرف شده .

ورود بظهران
جناب شیخ علی الله شفته هیئت گدشته بظهران وارد شدند و فرما. ارتعلاهی که گدشته سافرستان بایشان با بدعت زبانت ستاد ارتش بوده و قلام که بر سر کورس کردستان مسافحه ایران اقامت داره و مسمان ستاد ارتش میباشند . اگر چه در ایستات سفارت ایشان نوسما در این فصل که گردمای تهران قاطع فرماست صحیحی از یاد زدیم و بدین ولی امیو اویم این سفارت برای حفظ ای که ایشان در آن سکوت داره مفید واقع گردد .

سقوط طیاره
یک هواپیمای دولتی که در سریشالی جیوات از یک افسر دو کسرات کرد (باوزاده) و یک افسر سردان غلان بودین سفر و بیا سقوط کرد. افسر دو کسرات کرد کشته شد ولی غلان مصلحت آمیس دید . جنازه افسر کرد بمقابر حرکت داده شد و غلان و روزنامه تسامت تسببه تهران بشری است . طرز سقوط و چگونگی آن خود معلوم نیست فقط شایعاتی شنیده میشود که ...

آقای هدایت محترم روزنامه کوهستان

فرموده شما در ۳۰ فرماده ۱۳۲۰ آن نامه جهت اطلاع فرمانده لشکر کردستان از سواد رفتار س کردگظنی ذکر کرده بود کلاما قول حقیت می باشد زیرا که ما نایبید در مدت ماموریت خود کلاما وظیفه خود را بخوبی انجام دادیم و با حسن رفتار خود تمام اهالی را شنختیم فوده چنانکه گزارش غلطی بخواهیم بپذیرد روزنامه رسیده بعضی اشخاص منرش است که طغ خود را بر سواد جامه ترجیح میدهند چون با همیاری در ریهای اجماع بدین اهتشان مانع از بدی رفتارشان نموده .

محمد حسین ادلان

حساب شماره ۱۲۵۱

بانک ملی سندج مخصوص کمک به بهداشت است

۲۰۰۰	سنتجی	د فتنه خانم
۲۰۰۰	د	د مرتضی خانم
۲۰۰۰	د	د حمیرا خانم
۱۰۰۰	د	د شیشه خانم
۲۰۰۰	و کرل	د طویلی خانم
۲۰۰۰	د	د حسن خانم
۱۷۰۰	د	د رضا خانم
۱۳۰۰	د	د شریه خانم
۳۰۰۰	مستودوری	د منظر خانم
۲۰۰۰	پایان	د حیده خانم
۵۰۰	د	د ماهرشاه خانم
۵۰۰	د	د سعادت خانم
۵۰۰	د	د دلارام خانم
۵۰۰	د	د فرخ لقا خانم
۳۰۰۰	مستود و زبیری	د فرات خانم
۵۰۰	د	د مستوره خانم
۵۰۰	د	د قیرالعوانی خانم
۵۰۰	د	د علی خانم
۵۰۰	د	د سدر دشت
۵۰۰	د	د صبری خانم
۱۰۰۰	د	د موش خانم
۵۰۰	د	د نایاب لولک
۵۰۰	د	د کوک بک خانم
۵۰۰	د	د طلحه خانم
۳۰۰	شجاع اردلان	د ماهک خانم
۲۰۰۰	د	د بولور خانم
۱۳۰۰	د	د درخشنده خانم
۵۰۰	د	د اسما خانم
۵۰۰	د	د احرام خانم
۱۳۰۰	د	د فردوس خانم
۵۰۰	د	د طراوت خانم
۵۰۰	د	د عزیزالولک خانم
۵۰۰	د	د حیده خانم
۱۳۰۰	مردوشی	د انسانه خانم
۵۰۰	د	د غنچه خانم
۵۰۰	د	د دیبچه خانم
۵۰۰	د	د کبری خانم
۱۳۰۰	د	د هدم خانم
۱۳۰۰	د	د منری خانم
۱۳۰۰	د	د انجم خانم
۵۰۰	د	د مدینه خانم
۵۰۰	د	د شاه خانم
۲۵۰	د	د ملوس خانم
۱۳۰۰	د	د ساجی خانم
۵۰۰	د	د طلحه خانم
۲۰۰۰	د	د ویکتوریا خانم

موسطغان عزیز
 بطوریکه خاطر عموم اهالی محترم سندج اوضاع بهداشتی و بهداشت این شهرستان مطلع و مستحضر باشد از هر حیث تراف آرد بود و هیچگونه تسلیت معالجه در دسترس شما نیست که برای جامعه مورد استفاده باشد چنانچه خود ما در این وزارت بهداشتی اذعان داریم که بهداشتی سندج ناقصه گشته و مسائل معالجه و دروا نباشد -

ایجاب می نماید که به بهداشت صوملی هولا نهای عزیز خود در تمام تاکنون آنچه که مقصود بوده قدم هائی برای اصلاح بهداشتی این شهرستان برداشته -

در درجه اول با تقدیم ساختن اجهادی خود (محل زاده امری) به بهداشتی محل آرا تأمین نموده و در روز یکشنبه ۲۳ تیر ماه جاری بیزاز بانوان محترم سندج دعوتی نموده به قبول زست و سرافرازی اینجانبه را مقرر فرموده با توضیح و حیثیات بهداشتی و تقاضای کمک برای آزمایش یک آزمایشگاه (لابراتوار) همگی با حسن نیت از این تقاضا استقبال نموده و تاکنون فریب ۱۲۵۰۰۰ ریال جمع آوری شده است برای آنکه سایر بانوان و آقایان محترم بتوانند در این امر شیرام المنف و اجناسی شرکت نمایند و در معالجه یتیمان و سیم باشند بهین وسیله با اطلاع عموم برسانند -

برای تشکیل هیئت لابراتوار کامل و نوا نس بهداشتی حسابی در بانک ملی سندج به شماره ۱۲۵۱ باز در دسترس عامه گذارده شده است که در صورت تمایل هر کسی به اعزاز و ست و همت خود آنچه مقصود است باین موسسه کمک نموده و یا بنوع اینجانبه مرابعه فرمایند که در مقابل رسید چایی داده شود -

امیدوارم در نتیجه حسن نیت و اتحاد اهالی محترم سندج بهد با ملامتات بزرگتری موفق شده و خدمات شایسته بجامعه هولا نهای عزیز خود تقدیم دارم -

مترجم الملوک آمد و زبیری اردلان

اسامی بانوانی که برای تأسیس آزمایشگاه سندج کمک

۲۰۰۰	نوده اولاد	بانو قمرالعاجیه خانم
۲۰۰۰	مستود و زبیری	د دامنه خانم
۱۰۰۰۰	د	د خانم کورد خانم
۱۰۰۰۰	د	د عادل خانم
۵۰۰	د	د مستوره خانم
۲۰۰۰	د	د منور خانم
۵۰۰	د	د غانگه خانم
۲۰۰۰	د	د لیلی خانم
۱۳۰۰۰	د	د زبانه خانم
۵۰۰	د	د نلیه خانم
۲۰۰۰	مدان و زبیری	د منیره خانم
۱۳۰۰۰	د	د غار خانم
۱۳۰۰۰	د	د عادل خانم
۳۰۰۰	د	د غوربیده لقا خانم
۳۰۰	د	د درخشنده خانم
۲۰۰	د	د اختر خانم
۵۰۰	د	د فرشته خانم
۵۰۰	د	د مترجم الملوک
۵۰۰	آمد و زبیری	د طلعت خانم
۵۰۰	د	د موش خانم
۱۳۰۰۰	حیبی	د هدم خانم
۱۳۰۰۰	حیبی	د شمس العاجیه
۳۰۰۰	مشیر و زبیری	د ماسنه خانم
۱۳۰۰۰	د	د زرین تاج خانم
۲۰۰۰	د	د دلیر خانم
۳۰۰	د	د اختر خانم
۲۰۰	د	د طلعت خانم
۳۰۰	د	د آصف دخت

توضیح نماینده این روزنامه از گیلان

اخگر
 جمله ششروزه هفت و هشتم در دسترس
 روزنامه اشانه منباید که بر طبق
 تحقیقاتی هم که از افراد کرده و صاحبان
 از آن در یافت نگردیده
 ولی بقراری که خبر می رسد این
 کمک (مساعده) هم اخیراً قطع شده
 نموده چون اداره کل نگهبانان را بفرام
 توشه و اسباب آسایش نگهبانان کرد
 مامور گیلان جاب و امیدواریم به وضع
 رفت بار آن توجیه مخصوصی مبدول
 دارند.
 افراد نگهبان کرد که در این
 منطقه ماموریت دارند نمیتواند شکایت
 خود را به اداره روزنامه بخواسته تاد
 رفع نواقص اطرفین اداره کل نگهبانان
 اقدام فرود.

راجح به وضع نگهبانان کرد
 نماینده روزنامه کوهستان در وقت
 در موضوع تذکره ای که در شماره ۶۳
 راجح به وضع زنده اندام های کرده اند
 شده بود با رئیس نگهبانان معالجه ای
 نموده بطرح ذیل اطلاع میدهد.
 ۱ - راجح به بیار شدن افراد
 کرد رئیس نگهبانان اظهار داشته که در
 اوایل پلشت تغییر آب و هوا و مالار باخیز
 بودن این منطقه بسیاری زباده دیده
 میشد در اثر اقامتی که شده در مکانهای
 یا چند تصحوب تأسیس و در باز دیدی
 که آقای مرتب مقدم اخیراً نموده اند
 توجه بیشتری مبدول شده است.
 ۲ - راجح به تنخواه گردان
 استوار شایانکه این طور اظهار نموده
 اند افرادی که باین منطقه آمده اند
 چون در آمدی بجز از حقوق اداری
 ندارند و کسی هم آنها را نمی شناسد
 اغلب تقاضای کتبی مساعده نموده
 اینجانب هم به مستور نوشته امیر در آن
 در این موارد هیچگونه سوه استفاده

از سندج
 آقایان ذیل به آزمایشگاه سندج کمک نموده اند
 آ - آقای اسدالله مستود و زبیری ۵۰۰۰ ریال
 ب - حامد معالی ۵۰۰ ریال
 جمع ۵۰۰۰ ریال

راجع به بهداری سقز

حضرت آقای دکتر اردلان مدیر محترم نامه «کوهستان» در شماره گذشته کوهستان شرحی تحت عنوان (دردبهای بهداری سقز) در نامه مندمه خود که از هر صحت قابل وقت است زیرا نویسنده آن مقاله که ظاهراً پزشک می باشد می برد و بدون داشتن مدرک بیکی از حکمران خود تهنیت و التوا وارد آورده و هالسا و هاسام! خواسته است حیثیت نام او را لکه دار نماید ... بیبسی است اگر ما در یکی از کوههای مشرف ارومیا زیست نسویم نویسنده چنین افتراآت فورا تحت تنقیح آورده و در صورت عدم ثبوت اظهاراتش عده تخریب ترین کثیر را در باره وی اجرا میباشند. . . ولی ما در ایران هستیم و چنانکه ملاطفت فرموده ای این اوضاع بدوی تهنیت زدوی و اغتلاش و اشراف و ارتشا و فرودنامه های متعدد کنکور نسبت به اشخاص مختلف منتشر شده است که واقعا با این سبب که یا شرافت اشخاص تاسا وارد محکم پاک بشر پیشاپیش افتاده اند و با مصالح میثلت شده است و کسی بدان افترا توجهی ننماید.

حال اگر چنین مقاله تهنیت آمیز از طرف یکی از ساکنین سقز در باره نویسنده بهداری آجما نوشته باشد با تمسک بر او ابعثی برای آن اثر خرمی ولی از قرار معلوم آقای دکتر کشکی فقط به گردن دروغهای بیانتیبتنچ انگفا نویسنده و وظیفه بازرسی خود را از همان ابتدا از ما جدا و جدا گیومش دور از سقز انجام دادند و هیچا از جرمهای نامی برای عضویت امران داشته است و بنده کبریا از ازل قنیه غلامانی های سقز بهداری سقز اطلاع ندارم ولی از آشنایانیکه همواره در ناساس و پزشکیان هستم که از سقز برای مطالعه میداد و بطهران میآیند پیوستی سبب میباشند که گزارش مقاله نامبرده صرف از روی غرض دردی و بی اطلاع انجام پذیرد و تحریکات پیشین من جمله برکتهاست بهداری سقز که در ستیج با آقای دکتر کشکیی لولات نویسنده در آن پرداختت نبوده است.

در سال ۱۳۲۳ که از نجیب چنه ما خدمت نظام وظیفه خود را در سقز گذراندم متوجه این نکته گزورس بهداری آجما گفتم مقاله غمناکی لازم برای اداری کردن چنین پستی بوده و سپولت تحت تاثیر این و آن فراموشی کبریا و روسای ادارات آجما از سادگی و لاپالایی او سوء استفاده های جنیبی میباشند . . .

با وجود این در مصالحه بیابهای آن فراموشی در روزنامه خدمات غیر قابل انکاری ایجاد نموده و چون خودش در سقز متولد شده و بریان و آداب اهالی آن سامان آشناست غالب اهالی سقز و مدعات آن از روی بی نیی مراجه میباشند . . . در آن هنگام که اسان آقای دکتر کشکیی در طهران مشغول گردید و تفریح بود و اید حاضر نویسنده سقز بکندم برای بازرسی نموده است . در مصطفی نظرکات سقز بگذاردند رئیس بهداری آجما در زیر کوههای آسان تهنیت اشراف سقز

حتی بهانه که در دست معمد رشید بود میرفت و بکازدهما و سالکین و طبایع آنها را مطالعه و معادرا میشد و در آن راههای کوهستانی سبب البیور و ناامن چنه می رفتم نزدیک بوده است جان خود را در آن دست بدهد!

آقای دکتر اردلان جنابهای ستم نامه آقای دکتر کشکیی را در روزنامه وزین کوهستان کجسایید خوب بود پیش از اقدام باین امر از اهالی کوهستان سقز و خصوصا از امثال حاج بابا شیخ و خانواده فیض الله بیگی و یازده تا و غدرتا و خود آسانی مضر السلطت اردلان و غیره تنقیح فرموده که رئیس بهداری آجما چه جور خصی است و در این سالهای اخیر که ستوری خوشی بخود ندیده است چه دعواتی نیکنویم به پادشاه ولی در مصالحه بیابان آن حدود ایجاد داشته است . . . بر میساید که خانواده پرمای که مدت ۶۰ سال است پدر بر سر دروغ پشیل پزشکی اشتغال دارد بچسود خستادوست و چنان مورد احترام و تقدیر هم میباشند کردستانی خود میباشند . . .

باری شپردوز قبل که در سقز آقای دکتر اردلان رئیس بهداری سقز دردی تهران خدمت آسانی معمد قاضی رسیده است فرمودند که در سقز ۱۳۲۳ فروردین شانزدهم کلاز شرح میبسی واقع به منین ابراهیم پرمهای رئیس بهداری سقز نوشته بودند بنی بر اینکه منصوب شدن او باین پست به تحریک مرحوم ناهید سابق سقز بوده است و در ضمن مسافرت از طهران بسقز حامل مرامه علی میام صدر شیده بوده است که در تاریخ بیستم میاه خود را در حله قوی دولتی آغاز نماید ۱۱ تا که آقای صدر قاضی که در آن انتشار چنین تهنیتی سقز شده بودند مدبر روزنامه مزبور را وادار ساخته که چنین غیر بی اساس و خنده آسان در دستش در روزنامه خود تکلیف ننماید!

حالا بنده بهجانب مرحوم اسماعیل آقای دکتر کشکیی نیز شیاعت زیادی باین خبر دراد و بر آن شکایت مرصین نگذاشته بودم . . . تا باین اذ آقای صدر معتمد کوهستان خود همتاندم و چون او در ضمن نوشتن و محیط در شماره آینده کوهستان امر بنده فرمائید

دکتر یوسف برمی

توضیح

بطوریکه از وزارت بهداری کسب اطلاع شده بودیم بهداری سقز که دستور جناب آقای وزیر بهداری سقز معطله قرار گرفته بود چندی است از طرف آقای دکتر ملک افغنی به دیوان کبریا ارسال گردیده در نامه آقای دکتر کشکیی که در شماره گذشته چاپ شده بود در این مورد استیضای می دادیم بود اینک با تیریس معتمد قون بطایع خوانده گان کوهستان به آقای دکتر ملک افغنی که از پزشکان با کدمن و جعی وزارت بهداری سقز هسته در این نویسنده وظیفه و ادانی خود را به بهترین وجه انجام داده است.

از سقز

اثر طبع نوشیزه صدیقه غرقی

ای وطن قربانی نوی روحی فیضی امن خاک کی تو سبکی امید و باطنی زینی امن ای وطن من نوبانی باغی رنگین انور تو بهاری با سفا و برهضر و سستی امن ای وطن هر چند منده اله های تو گیاه کن تو دوری از خم و برینی قلبی بی کنی امن ای وطن تو بیه کامی بارک و با پیری سنی ای وطن غم و غمرا انگیز انعام ای وطن غمناک هر که مدتی من جاهلم سیربکه تمسین علم و کسی زانیر امن ای وطن صدیقه غرقی « بروی تو هاشقه جاری رحمت بی پنهالی زاوی بی تنی امن

سرلاز گننام

کافله ای را که از یکی از سنگراه سقز قلمرو بودیم و رسدولی متسلسله نام خود را نوشته بودیم که بتوانیم همین که ما ستوازل کشیم « اینکده خواسته بودیم گورهای و اسیریه بودیم چرا کربوت قرب باغی کشته شده گان کربوت غیر کرد کستر تلف شده اند این سوالی است که فقط با جواب جواب آری پیش خود بویای حدیث بود . . .

ما راجع باینکه چرا سرسنگها ها در چنگ کتله باغی نوی سقز آن را غدا میداند .

برای سقز

قرب یکسال است مبلغ ۲۸۰۰ ریال برای تیسیر کارخانه برنج چیه آردی شده و میگویند در مصالحه بین فروش و رخن است. علاوه بر این در حدود ۱۰۰۰۰ ریال بجهت آغاها سال ۱۳۲۳ ذوقه و بهشتاری نوشته شده از بنیام هزار و بار مضیه ملوخته هم اثری دیده نشده

آقای شهردار سقز اگر نتوانستند بپایان این بزرگیها تمسک نمایند آن کارخانه برنج را تیسیر نمایند اگر هم ایشان موفق به پایتین این بزرگها نشدند خوانده گان با اطلاع دهه که ایشان را رها نمایی است

دنیای ایران

بقیه از صفحه ۲

در این منطقه حساس و پسر آشوب تفریح خواهد کرد و برچیل پسر عرب کسورانی تو بی زبانی خوانده ستور افرا است کفرانی و زانه بیانی « در لنتن تشکیل ملود حسنی و هدی چهارده گانه خود مردم گمرت اروپا و آید بیهیکنه قضیه هندوستا بصورت گذشته باقی است اسمیل صدقانی باشتن زور بر سر در پارسیان اظهار نموده است در مورد ز که در فیه تحلیلات تابستان به تهنیت فرار داد با انگلیس موفق نشود اعطاء فرانس را جهت تهنیت سقز آن دعوت خواهد نمود موضوع گفتن لوله ای است لغت او معسر در موضوع قابل توجهی است

د نصرت آصف وزیر

چاپخانه مظاهری

تلف ۸۹۵۶

بلم آقای سمنه مروغ آیتا ش کردستانی

کرد و کردستان

—۶۵—

حکومت شاهزاده مفتح الدوله تاریخ
تفراس حکومت اردلان است که دیگر
کسی از آنها برست حکمرانی ننشست.

حکومت شاهزاده طهماسب

میرزای مویده الدوله
شاهزاده طهماسب میرزای
مویده الدوله دو دارالدوله کرمانشاه
حکمران بوده در تاریخ (۱۲۹۱) بر
حسب فرمان شاهنوی کردستان هم
شیب کرمانشاهنده از طرف خود قیلا
شاهزاده مسند شریف میرزا را برای
ایغ این غیر روانه کردستان مینماید
خود نیز مناصب آن بسوی کردستان
حرکت کرده دوشتر انبیر ربیع الدوله
(۱۲۹۱) وارد دارالایامته دوشمشود
این شاهزاده صاحب علم و فضل و دارای
کرب و بابل و دو دروغه مست و بزرگ
منشی از مکتخانه خود کوی شریف
ردیوه است کاتبه مطالب ولایتی و مراهب
مردم را بهیروز امروزی و پرورش دعوت
میورده. و مسند مهدی میرزای پیش
از اذهان خود مستجاب المکرمه
کردستان ساخته است.

و مراتب را تنبیه سایر پیرزای مرسوم می
دارند و در نتیجه این بازی شاهزاده
مؤید الدوله از حکومت کرمانشاه و
کردستان منزول شاهزاده امامقلی میرزا
حادلروله حکمران کرمانشاه و کردستان
میشود

حکومت شاهزاده امامقلی

میرزای عمادالدوله
شاهزاده امامقلی میرزای حادلروله
در تاریخ (۱۲۹۲) همی حکومت
کرمانشاه و کردستان منصوب شده هنگام
حرکت از تهران ایمان و بزرگان
کردستان را بهمان اخبار مینماید .
علی اکبر خان شرف الملک و میرزا مسد
رفای وزیر و چند نفر دیگر از وجوه
و رجال کردستان بسوی مغان حرکت
کرده حضور شاهزاده مشرف میشود
در مجلس دو هفته مایات و
فروعات نظم و لایزال از شرف الملک
میرزا مسد رضا که کشنده فلان و دو
مستکی کردستان بوده اند گرفته .
شاهزاده مفتح السلطه پیشتر با حکومت
کردستان مینماید کردستان بیاد در خدمت
حسنت السلطه بن کردستان مراجعت نموده
خود حادلروله و همیار کرمانشاه میشود
شاهزاده مویده الدوله هنگام مراجعت به
تهران علی همد همد عزار تومان و ازباده
پسر اصل ایالتی کلمه امده امده امده امده
فالمده عزار تومان و الا آن پینه تحلیف
ایدی فر حق رعایا از ظلم ابدانته مفتح
مزارتومان را میشه اصل مایات کردستان
مینماید و محسنت السلطه از سایر مایوسنی
میورده میشود که مایات را بهیروز اصل
غرض بطور مساوات تمهیل نایه پیش از
مس چهار ماه حادلروله در کرمانشاه
پرسی موت دچار شده مفتح عسنت السلطه
و ازباده خود اخبار مینماید محسنت السلطه
فرزادده و خود همصایر کرمانشاه میشود
طرفی نمکینه مهادالدوله اذدرانی در
گدغه فرمانرواست حکومت کردستان
و کرمانشاه از طرف دولت پسرای
حسنت السلطه ارسال و مغان و غلغ
نایب حکومت هم - جرای شرف الملک
رواه میشود

در این سال از مغل خوار گو می
کردستان پیاده اهداالی تزلزل و اضطراب
درمیآید و افراع کردستان رو به افلال
میرود میرزا مسد رضای مروتی و
منتفتن فشرده سبیلها مرعها مینی بر
شکایت از وضع حکومت شرف الملک
ببهر امداد و مستترین کردستان مینماید
رواه خود میاوری مینماید پشت سر آن
تو خجی از مغان و ازباده ملا مسد
مهدی امین الاسلامی و ملا مسد امین و غیرا
رواه تهران من - ساید دو شش (سفر
۱۲۹۲) همی ملامرحان شهاب الملک

از طمع جناب شیخ جلال الدین قشبنندی
برآ مروان هرگز توله انالی بدویسم
گرفتاری کشندی نفس و گیری دای الیمس
والایمه کرور و عکراه بر دایم در کای حق
نه اهالی کلور و طیمان نه عطالی حرک و تسلیس
نه اربابی نامانی قلبم و نه خاشی مذمب
مهدی اهدای دین و بی زیبا و کدب و تالیس
نقیری زبیره شواری سفره شاهی نقشندم
غلابی اشیریم و کبک دو گای و این اودیرسم
معیی خالهدای مصلعلی و آل شام
نه دین و عهدی صاحبی از فادو تو برسم
نزداد کرد و اجداد همی فیرانی جوانودین
تا هلی برانو پاریس نه خلقی تازی تعلیم
بصورت قشبنندی و بسنی جوهر معض
له لای کر اگر بدم له لای بی تله پس
به توفیقی غنا و نوری اجمازی رسولان
منیش مستوری یورپا نالی سکانی فرادیس
الی و دوشته که پارو عجب بی باسته خالی
سلطان و موحد تا لی شرح و احادیث

بیانیه تشکیل آزادیخواهان کردستان

گوته ایصال نشان میثانه امین را
موفق گرداند ، امیدواریم این تیری
جوانی و اسامات که اکثرین عهدای تیری
به تشکیل امین مسند نموده میسته آنها
را باز و باور بوده و به خدمات بزرگ
موفق گرداند .

بنسبیت تشکیل امین تلگرافی نیز
از کردستان رسیده که ذیلا از نظر
خواننده گان میگذرد .

تلگرافی از کردستان

تشکیل امین آذربایجان
کردستان موجب امرواری مردم منتج
شده . اما نکته گان از طرف خود و
ملاقاتن امین شهرستان به هسا مردان
با هیامتی که بخاطر مسادت کردستان
جمع شده تیریک گنگ انتظار اقدامات
مؤثر را داریم اطمینان داشته باشیم
پشتیبان شماها هستیم .
علی نعلرالمطابی - پهران - حسنی
حسن خلیف الاسلامی - طباطبائی - جوهری
مرت شجاع اردلان - نقرتمین - غلار
ازبهنی - خیدومسی - نامرآرادیور
بطلر بروغ نظالمطابین مروغ پور
مهدی شجاع اردلان - سعید اوبدبندی
بهدر - خیدروماتی - مانی بوخند
قیامتی - منصور باورنی - اقبال خلیف
مهدی اهدانینی قی - محمد مدوسی - علاه
الهدین میاجر - حجت ساداتی - امین
آزاد پور - خلیل دانشور مایانرسلنا
مصرف خیوالی - عبدالحیدر فیرانی
محمد همدالکریم - حسن فرهادی - مسد
سجای - علی میرآر - خیدر - خیدر
عبدالمفکر - فیردون پاکسودا - ابراهیم
سوفی - مسد رحیمی - طاهر خدیجی
اسمعیل - سفیدر - مویان - طهاده
کلاروزی - ماسی غازی - مایانروروی
شرف نبیب - مسد امین بیلائی - ملاخوسین
سدنی - مسد پور بهادانینی - سلاسی
شرف برومنه خوزجان - مسد توفیق
سدنی - فماری - خلیل طهارتی - شرف
دوولی - لطف علی مروغی - حسین مسود
باقر مسد همد - علی طباطبائی - عباس نازن
اعرابی - میامیرآر - لایبر - مسالغ
میدار - سعید میدار

در دو شماره قبل تشکیل امین
آزادیخواهان کردستان در تهران
اطلاع خواننده گان مسترم مسالیمیم .
این هفته بیانه مصلی از طرف امین
خطاب به اهالی کردستان چاپ و منتشر
گردیده و بتقرار اطلاعهای که رسیده
مقدار زیادی از آن پسرانی توجع به
فراسی کردستان نیز ارسال گردیده
است از این جهت و بلسبب احوط
این شماره مقصود شده که همین بیانیه
را چاپ و از نظر خواننده گان بگنجانیم
عهدای از روشنگران و جوانان
حساس کردستان در تهران تشکیل
میسند مسادت کردستانی امین تشکیل
داده و میخواستند با عواملی که موجب
بدینعی و عقماندی کی اگرد شده اند
میسارزه نسایتند . درین نسبت که این
امین و جهت عالی که بتسلطوردهالی
جدد از حوضشان از جنگل و ظلم و
لساد تشکیل شود موجب غورسنوی و
امیدواری عموم علاقه مندان به ملکوت
خوناهر بود .

از این جهت ما سلازم مینماید شن
اظهار سرسازان اقدام برداردن خود
موقتیت آنان را در اجرای خدمتی که
بهمه کرده اند از علاوته خوشاشار
میسارزه نسایتند . درین راه موانع
پساری ایجاد خواهد شد تنها هربراسخ
و تصمیم خلل نایبیر و جلو گیری ازهر

غلبه حکومت ایستغنان نظام الدوله فاسونه
بفرضت کردستان مصلی مروتی
میشود روز و روز آتیمان طایفه تهران
شهاب الملک هم از تهران بسوی کردستان
حرکت میکند بسوی ازورده با المکرمه
ستدو شرف الملک از او متوجه شده بد
از یک مده رحیمای مرقی میشود در
حضرت عبدالمطلب متعین میگردد مسد
کردستان بی از تشریف میخورده میاوری
ملاصحه میدانی اسلامیه مروتی
شیخ الاسلامی متعین ملامحه امین هوش
بلقب امین الاسلامی مقلب میگردد
یک از اسرار حباه نیز خلعت و مشرعی
مرحمت میشود و بیابان کردستان مراجعت
مینماید

تاریخ رشید و نوادگرو

- ۶ -

ماده و اولاد در زمره مادیات بود
در سال غازی در بای سیاه مسکنت
داشت.

از آن نژاد هندی ایرانی بفرقه بکه
کوچک حرکت کرده و تا قسمت غربی
کردستان آمده یکی از خاندان های
آنها بنام میثانی حکومت کرده است
(تاریخ کرد و کردهستان) با این نظر
باید گفت که قسمت شمالی گوتو ها
که میان دریای خزر و دریای سیاه
جا داده اند با نام کوسو را بنام
گرفته بودند و او کسی نامطایفه منومس
و شناخته شده است.

قسمت ساکنین قوامی پسر خوزاز
هرق زاگروس و قسمت ساکنین سواصل
غازی دریای سیاه از میان ایلات
نژاد خود به جنوب حرکت اولی در
(اتران) و همی در قسمت غربی
« سوریسی » جا پیدا شده بودند .
کوسوی های اتران حله بر علیه
بابل و بیت با شروع کرده بابل را
اشغال نمودند .

پس از مدتی خاندان میثانی که
ناشر و از نام خدای خود میتراکرته
بود ظهور و در شمال سوریه تأسیس
حکومت کرده است .
میثرا از دو گله ترکیب شده
یکی « میت » و دیگری « را »
از لفظ زرتشت را که مذهب میثیران
اوپانی بود می فهمیم که « را »
منای آفتاب بوده است (در این خصوص
باید توضیح خواهم داد) می نامیده
بودند آیم یعنی خدا آمده است .

در میان مرداران زکارتی نامهای
پنداری - میثرا را می بینیم همانطور
که بخ پیشی خود را در سینه ها نقش
پنداری گشته اند .
میت به معنای خدا بوده است
که میثانی خوانده اند در این صورت
میثرا یعنی خدای آفتاب میثرو ،
بروک است که فرقه روشنی و جنگ
مرفعی شده است .

نظر باینکه میثان ها همه ای میثرو
سویاری ها شناخته شده اند معلوم میشود
کوسو و سویاری هم اجزای یک ملت
بوده است کوسو و کورتی قافوسی
بوده اند .
ناطایفه کوسوی های مهاجر کاسیت
بوده است از حارسایی لیرستان که
کاربر بر نو بدست آمده که در قبیله
اول به پختور پادشاه کاسیت نوحه شده
است .

مبداء تاریخ کرد

تحقیق در محتویات شاهنامه و
تطبیق آن با اموات و وقایع فرسی
ایران نشان میدهد که سلطنت نژاد
آریان در ایران از گوتو ها شروع
شده جدید هم غیر آریاندانان کاسیت
و ملش هم غیر از کوسوی ها میزدیگری

آگهی حصر وراثت

لیلی غلام آقایی مدعی در خواستی به دادگاه بخش کردستان تقدیم که تا
صده حسن لعل اللهی علیه قلمی مستحق فوت نموده وارث او منصرف به نام پسر
(عبدالعزیز آدمی ، محمود ، احمد) و دو دختر (تانیه ، ناطقه) و یک زن
(سلیمه) یوده اخیراً عبدالعزیز را وارث نیز وفات کرده وارث بالا منصرف
و بنیغ دختر (فرشته ، سیرا ، شهیبه ، کبری ، شهیبه به نوحی ، فتکنکی)
بود و پسر (احمد علی شهیر به نام) و پسر (فرمون) و پسر زن (لیلی) می باشد .
برای استفاده وارثان آگهی تر که متوفیان صدور گواهی حصر وراثت خوانستار
شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی و روزنامه کوهستان درج
شده و این آگهی تر که خواستار دارایی و وصیت نامه سری با رسمی نیز در اثر
اولین آگهی تر نامه با این دادگاه ، ارجاع والا گواهی صادر میشود
رئیس داد گاه بخش کردستان - خیامی

۳۷ - ۲

۳ - ۱

آگهی حصر وراثت

آقای وزیری وکالت از آبرت استیضایی در خواستی به دادگاه بخش
کردستان تقدیم که چندین استیضایی مقیم دامی مستحق فوت نموده وارث
او منصرف به یک پسر (آبرت) و چهار دختر (واره ، ساره ، خورشید
هدم) میباشد برای استفاده از کلیه تر که متوفی صدور گواهی حصر وراثت
خوانستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه
کوهستان درج میباشد اگر کسی وخواهی دارد با وصیت نامه سری با رسمی
از او وصت از نشر اولین آگهی تر نامه مابین دادگاه مراجعه و الا گواهی
صادر میشود .

۳۸ - ۲

۳ - ۱

آگهی حصر وراثت

عزت الله نامزدی در خواستی به دادگاه بخش کردستان تقدیم که با او
خانمک نامزدی مقیم دامی مستحق فوت نموده وارث او منصرف به یک پسر
دعوت الله و یک دختر فرحانست می باشد . برای استفاده از کلیه تر که متوفی
استاد گواهی نامه سلی و ششانه صدور گواهی حصر وراثت خوانستار
لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج
میشود اگر کسی وخواهی دارد و از نشر اولین آگهی تر نامه مابین
دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر و وصیت نامه هم جز رسمی و رسمی
تأثیری ندارد .
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۳۸ - ۲

۳ - ۲

آگهی حصر وراثت

آقای محمدعلی ذبیحی در خواستی به دادگاه بخش کردستان تقدیم که با او
قدهمیر مسادوش عقبه نامزدی مستحق فوت نموده وارث او منصرف بشماره
(محمدعلی ذبیحی) میباشد بستن گواهی نامه سلی و ششانه برای استفاده از
کلیه تر که متوفی صدور گواهی حصر وراثت خوانستار شده لذا مراتب سه بار
متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج میشود . اگر کسی
وخواهی دارد با وصیت نامه سری با رسمی نزد او وصت از نشر اولین آگهی
نامه مابین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود .
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۳۹ . ۲

۳ - ۲

مسئله گز اری

از آقایان اشران و کردستان اخبارات کنوری و لشگری و بازرگانان
و کلیه طبقات و اصناف و اهالی محل و خوشایندان که در اثر دو گذشت
حسین مسودی ابراز امت فرموده و چه دو مراسم تشییع جنازه و مجلس
تلک تر آن مرحوم شرکت نموده و با نظر محدودی و تسلیت فرموده اند بنیهایت
مسئله گز اری استعفا از جمیع چنانچه نامتاد جسمی و روحی و گرفتاری
در انجام وظیفه بازاید و عرض تشکر حضور یا کتبی تأخیری در اولی
عفو فرمائید .

۳۹ - ۱

۳ - ۲

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

جاهه اری میباشند .
که کوهسای بیرون مناب شاهان و
لا درون خود را بهین نحو از دهن
درون انتقال داده تا بگوش مسویون
تاریخ رساییده و نگذشته اند که بدست
فراموشی سپرده شود . سیرت اصنام
در میان این شخصه نامزدی بزرگی
بوجود آورده اند سلی و سلی و سلی و سلی
سلی تئیر داده لیکن اساس وقایع را
بکلی از میان برده است .

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

عزت الله مسودی

مسئله کردن در عراق

بله از منحه ۱
 زبان درمادری بیشتر و عبق تر بوده و از سدوز آتیا تجاوز مینماید و بطور کلی در وقت خود زبان تاثیر دارد. گذشته از مدت که منسل برای یاد گرفتن زبان هری قبل از اسرا گرفتن مواد دروس صرف میبکند این وضعیت باعث شده که زبان کردی خیلی از مزایای خود را از دست داده و از تصور و خول اصطلاحات و واژه های جدید محروم گردد. تعداد مدارس منحلته دو کردستان عراق به دوست یاب بالغ میشود که در آنها بیست هزار نفر دانش آموز مشغول تحصیل میباشند و فقط در یکصد مدرسه زبان کردی تعلیم میشود به این درجه تعلیم و امثال نسبت به زبان کردی صورت واضحی باعث غلبه مانده گری این زبان در عراق شده و در نتیجه تعداد منویجات کردی این کشور بسیار کم میباشد بطوری که تعداد کتابهای مطبوعه کردی در کتابخانه های عمومی اعراب از ۱۶۱ کتاب تجاوز نمی کند. اهتمام به توسعه و پیشرفت این زبان امری نیست که بوسیله افراد اجداد خود بلکه وظیفه حیات ما و ماورین روسی منقول میباشد و میداد شایع نمودن کردی در اثر کوشش های انفرادی اشخاص سبب زبان کردی در عراق شده است.

۴ - تساهیل هلت گره گزای خود ملت یک ذخیره گزایابی از تروت بر اثر ارضی است که سبب ایلای بندی باید آرا تئورین و حفظ نسله زبیرا تاریخ رابطه بین گذشته و زمان حاضر و حاضر است که آتیام میباشد و همین جهت است که باید قدم بصرای حفظ تاریخ خود کوشش های اسر اوای از قبیل تشکیل اجمن های محسوسو هیئت های کشتنای و ایجاد موزه های آثار قدیم مینول و برنامه های منصلی برای درس تاریخ خود در مدارس منحلته تدریس مینماید. درست تاریخ هرملتی از ملل مدیا ارضی نیست که بتران آن صرف نظر ندره نه تنها مضار منحلته آن ملت بلکه برای منحلته جاسم بشریتی و این موضوع به بی مقدمه مرتب نموده بلکه وظیفه ماورین روسی منقول میباشد بصومیم به پیتم آبا بیت های روسی منقول دولت عراق این وظیفه را بسیت به تاریخ کرد انجام داده اند. باینجه باید نگاه به برنده مفاصرو کتب کورسی نشان میدهد که مستورین امر ناچه در هر چه در نظر خود نمودند و در ضایع موجد کرد باید تاریخ نگین فراسوی آلمان و ایتالیای تحصیل بخوانه از دانستن تاریخ آبیام و ایجاد خود نمرود میباشد.

۵ - تساهیل و بیسز در موقع ضرورتها چون میبکند که ماورین در هر منقله از رانته که در آن منقله سکونت دارد باید زبیرا باین ترتیب مردودست و بیگانگی خود را به حیات جامعه ملحق کرده و بدینانه که آن ماورین از آنها و برای آنها میباشد میفرمان انکوز بود که در عراق اغلب ماورین

ازجرا اعراب می باشد
 ۵ - سیاست دشمنی که دشمنی که از طرف بعضی حکومت های عراق بسیت به کردها ایجاد شده با اینکه موقتا به آرامش مفاصرو منسحقه باشد مهربا نتایج بسیار بدی از خود جبا خواهد گذاشت و مشکلات زیادی در راه حکومت های بعدی ایجاد نموده است. موقع خروج بارز از اینها حکومت مرتکب دو غشاه بزرگ شده باطل تسلیع هشایر بر علیه بارز آنها که باعث ایجاد دشمنی و عداوت بین هشایر گردیده که خود مشکلات زیادی در دو آتیام هشایر برای دولت ایجاد مینماید تا باین بیان راهات بوسیله هوراییا و توبخانه بدون اعتنا بوضعیت نوبه و غیر مردانی که در آن دعوات بدهاند و این عمل ازجرا دشمنی در کلی سکنه این منقله وحشی و بدین طرفزبان جدی حکومت و مخالفین فورشیان ایجاد نمود همین خود بیگانه گشت مهاجرت حتی سکنه آن منقله اعم از مخالف و موافق پشاک ایران گردید و امروزه دولت در مقابل اشکال کلیت امداد آنها بران واقع شده.

جسای انکار نیست که این عمل حکومت هران به نفع ازجرا بدست شده و این صوم کردها ایجاد نموده زبیرا برای ارضی قابل توجیه است که کردها از این رفتن و مهاجرت دهها هزار نفر از ملت خودرا اتول کنند. مضمورا که هرگاه نظر ماورین آبا برزای بود بلکه بین آنها همه زبانی از عشایر مختلف و اسیران و اسراد ارضی نیز موجود میباشد. ۶ - ازبهر تشکیل حکومت هران تا امروز بواسطه فقدان حیات مردم کراسی و وجود حکومت مرکزی اراضی چیگاه کردها ندهاند که موجودیت میباشد میسر در حکومت هران داندته باشد صورتیکه لازم بود یک نوع اداره برای تمام مناطق کرد زمین در نظر گرفته شده که در امور اختصاصی خودشان خود را اداره نمایند فقط این طرف از راه است که عراق از آن مشکلات زیاد نیست داده و بیک مقدمه بزرگ از مسئله کردها حل نموده و تمام زبانی و مذهب جامعه هرازی از هر دو ملت عرب و کردی نماند.

اینها بودند نکات مهمی که انجام کرد رادر عراق ایجاد نموده و امروزه از وظایف حکومت است که آبا بر نظر اختیار و بدین ترتیب باید زبیرا بیوجهی انکار مسئله کرد در عراق تأثیر خود را عمل نمود و هرچه در دو آن مسامحه خود حل آن کند بخوانه بودو باینست که این حل فقیه حقوقی نگردد به تمامی راهات خود که بخواهم روابط بین آنها و برادران عرب خود بانی بنامد. چنانکه بر ضد فعالیت نشان داد که فعالیت و روابط بین اقوام و ملل را چه بیشتر بر اساس مساوات و مساوات باشد و بیشتر و همکاری در آنها کاستن و بیسبانه تر خواهد بود و هر ملاقه که در آن بر روی برتری بود ملت باشد روابط و همکاری بین آنها که موضوع روسی بیشتر نفعه بود ملاحظه و ارتباط بین ملت منقله در یک کشور زیاد باشد

نگار آفرانگردستان
 جناب آقای نصرت وزیر رونوشت جناب آقای وزیر بهادری رونوشت کوهستان رونوشت ایران ما کرمانشاه بهادری استان ۶ هفته آسای آمد رونوشت فرمانداری رونوشت بهادری رونوشت فرهنگ رونوشت اسپین لایبی رونوشت امضاء کنگز بر قاضیه اعلی کردستان مراتب روایات کامل خود را از قضایات و دادان سازی رویدید خود مدت ۱۰ سال متوالی که باین امر اشتغال داشته بزرگ بوسیله مروضی ما دریم با این حال اقدام شایگان اولیه می نمود بوده و آقای جنید شخصیت منسحقه و نگارگری است مقرر فرماندهی مرفعی را مقرر مباحث از اورا کرده که نمایان السان بادرگسی بدست خود ادامه دهد بیسبانه مروض - امام جمعه منقله - سید حسن ختیری - محمد حسین مدرس - فلامینی منیر - وزیر - عبدالکریم صفوان زبیری - مسود و ساندوز زبیری - حاج صالح عیاری - عبدالله جاشوی - سید احمد عیاری - محمد حسین ادرلان - حسین منقش - معالی بن صلاحی - عبدالرحمن منقش - محمد صدیق منقش زاده - نیشابادی - سید مرتضی - محمد حسن ختیری - عبدالله عیاری - محمد حسین فلامینی خانی - احمد حدادیان - حماد بن جمعه - سید محمد صدیق - عبدالصمد ختیری - عبدالله جرج زاده - محمد هلی دوزبیرو - حسامی جوروشان - علی امیر ختیری - محمد هادی اور - محمد حسن ختیری - عبدالرحیم ترحمی - اسرار - سید امیر قاسمی - محمد امین راستی - احمد عهدها تیزاد - نجمه ایلانی - امین امان شویسی - حاجی باختری - صالح عهدها تیزاد - صالح الحداد - یار بزرگ - یاقی کابلیشوی - مسعود فناری - احمد حسن مسعودی - سیدفاطه امدادی - سید شالا محمد - حسین عهدها تیزاد -

از کرمانشاه
 آسای امین اکبری کلبر راجع بوضع خود در یک نامه گمره انبندوز می نویسد
 ذکرده در منقله سرپرستی امین چاب دیت واز فقیه تر یک اهل اهلای نادقت و تمام و از طرف اداره اسلاک می ماورینی به اینجاب و این خصوص داده نشده است و بیبج و چه اطلاعیه نداشتیم
 کوهستان - انشاء انبندوز کلبر ما هر حرفی نادیم
 آقای منقش
 ما جانوران خودی منقره که در شماره ۳ چاپ شده بود مستورین و اظهار میزدند که ایشان جزو ماورین بوده بودند و ذکر نام ایشان در زمره جانوران آمده شده است. در آخر می نویسد: هرچه با در چه ما جراجو موند است. کوهستان - با توجه به عبارت آخر نوشته ایشان امید و ازم اینها دعا مستجاب باشد

دو دوست باشد نه مانده فلاحه بین فکبان و زبانی زبیرا هر چه زبیر ما هم قفل کرده و روابط ماورین و امین دو نفر وجود نفعه داشت

کوهستان

پلم آتای جلال طاعری دانشمندی حنون

چو آنان که در با چشم بیدار اوضاع را می نگرند

دستی که برای خضارت و زبونی اکراد فعالیت به محکوم به اقصاع است

اهالی گروس از نمانند که اهل محل نباشند متفردند

به پیش، به پیش، به سوی آزادی و سادات ایسوی زمانی از غیب و بنده استادت در سراسر منطقه کردستان، در سرزمینی که اقتضای جود آنرا و سرزمین ایران را تعیین می کند آزادی روح و پیش و فرج انگیز جویان جلات کوف را کوهپایا می رساند.

اکراد در قبال فداکاری و شجاعت و جراتهای بی حد و حصری که در برابر حوادث تاریخی نشان داده اند امروز در پناه مثل سرفروزان آزادی و کانون روح پیش و سادات و امیدی که در دل جوانان حساس و پرخور برپا شده است علم جهاد و ستیز بر طبق عوامل خطرناک و موفقی و ماسر وطن فروش و دشمنان برداشته و در پناه سنگری که از قدرت بازوی آزادی و سادات سزک این سرزمین بوجود آمده است از حیات و هستی از ارامش و آسودگی از آزادی و سعادت خوش دفاع میکنند.

در پناه این مثل سرفروزان تاریخی که قلب کوهسازان عقیم و ستمساری بی گران کردستان را روشن کرده است گامهای متین و استوار و قدمهای بلند و بیرونده بسوی سادات و حیات پسر داشته میشود.

آشنی که در دلهای حساس جوانان کرد زبانه می کشد مرفلاز فرزندانی و الوتایب و سرفروزان و روشن شدنی که به تاریخ و وطن پرستی و جرات و آزادیخواهی ایرانیان افسانه کرده دلیت مندان را به شناختن خونین پند ملی کینتال ایران و آواز می کند.

هنگامی که در سکوت تیر و روضت رخسارهای، در قلوب و عدالی دکتاتورهای خون آشام نضای کردستان از غبار سیاسی و نا امیدی و تیرگی تمامی سکوت و خاموشی مرگباری فری گرفته بود چکه پولادین فرستادگان ملک ظالم متفرقه ای خود و پهلوانیها و مردم، در در تلاشی میکرد در همان هنگام در جنب زکمان نطق این نهدت عقیم و این عریان کسالت تاریخی کوفه می شد.

در قش و غش روزگار نطق آزادی و سادات جان می گزانت و درغت امید و آرزو در بوستان زندگی رفته نشو می یافت.

این است که امروز در شامپواراد و سادات جان می گزانت که قدم بدم و به سوی هدف و امانی که با استقلال و سعادت ایران فرین است نبوده و متعلق منافع خود را حرامست و بیثباتی می کند.

درد تنگبار مردم گروس که از دست فعالیت مدیو حانه عام خارسی بجان آمده اند در نامه کوهستان که از حاسبان سرمدت و مبارز اکراد است و بروج و جسم فرسوده کسانی که از رفیت و پردگی و اکراد است می برند ضربت هواناکی زده و سنگ نمکسی به شیشه آرزوهای خام آنان نواخته است.

دردین تنگبار که باضای عدل از محترمین و تجار گروس است تسکر و فلاسین پیرو پروس ساینده شرکت نفت و هر نمانند خارجی که غیر مسلم باشد به گوش آزادیخواهان ایران رسیده آنها راه پیشانی این انگار سینه دیده دعوت می نماید.

حیاتی که این طوفان خارجی برست در منطقه گروس فروغ کرده است بازر، مرفلاز، سزک، سزک، اکراد و حیات و هستی است، از ارامش و نیشانه این درد خارجی روح میاز و دلیر جوانان گروس بنده ترین وجهی آزرده شده و آنان را در برابر این جاسرتهای بیشتر از پیش آسوده کارزار کرده است.

چقدر جای خوشحالی است که سایر برداران کرد ما در این موقع حساس که یک مرد دم زدن در صدان اجزاز مقصدام شایخ نمایندگی مجلس از طرفی سادت یاری ما شانه ها و ستون جرانند شریف و دوست داشتی خود را در اختیار مبارزین ما نهاده اند از این حسن استقبالی که سایر برداران کرد از مبارزه ما نمودند آنروز بیرون سترگ ما متحکمتر شدند دقیقه بدقیقه نزدیک ما بیشتر خواهند شد روح و جسم ما برای مدافعه از آزادی و حیات و هستی و ناموس و افتخارات تاریخی ما بکنندیکر مزروح و آمیخته شده نژدی فولادین و سنگری آهینسند فرقی داده است و هیچکس را قدرت کوف چکترین جارتی به مدافعه متورانه نمانندت ما از تمام فوای ایتساید دهد سیاسی خود پسر علیه پور بورها، ملایریها، و کابیکه در ضروریای خویش امروز بکسر کالت و مبارزانه اند و هیچگونه ملاحظه افلاقی و سیاسی

آبوسان یکساله داخله - ۲۰۰ ریال
تنگرشی داخله ۴ ریال
جای اداره خیابان فردوسی روبروی بانک ملی تلفن ۲۶۵۷

خارج ۲۵۰۰ ریال
خارج ۵۰۰ ریال

چهار هفته روزنامه تعطیل خواهد بود

مدیر روزنامه کوهستان هم مسافرت بفریب خواهد نمود هفته آینده سنجاب تصادف دو هفته بابت روز تعطیل و در هفته بعد هم بابت تصادف با یک روز دیگر تعطیل روزنامه منتشر نخواهد شد هفته سوم و هفته چهارم هم با اجازت خوانندگان موقت روزنامه را تعطیل خواهیم نمود تا مجموع چهار هفته تعطیل فرستی باشد که مدیر روزنامه کوهستان بنظرتو مطالعه و اخبار کردستان مسافرتی به غرب بشاید

بانوان ذلیل در تهران به آژمانگاه سندی کمک فوهداند

- ۱- بانوانی مردان ۵۰۰ ریال
 - ۲- بانوان احترام و زنان ۲۰۰۰
 - ۳- بانوان فرقه و مردان ۱۰۰۰۰
 - ۴- در ویدوه و بیبه اردلان ۱۰۰۰۰
- جمع ۳۰۰۰۰ ریال
وجود کوف توسط اداره روزنامه کوهستان حساب منصور آزاد میگذارد و در متعج و اداری خواهد شد علاوه می نماید که بانوان احترام و مردان امانه و بر میلی که با آژمانگاه کنند خواهد سهم خود را از حارت اهدا شده به بیارستان متعج بر بنظرتو ایجاد بیارستان بقلعه بنده بودند.

له از نه مبارزه می کنیم. تساتر و اجزاز خود را از هفتای کسالتی که با کتای کوف تاریخی برای شهروندان خود پسر ناچار بوده ایم کشته امیرا دافت و قوی از فعالیت مدیو حانه عامین شرکت نفت، از سر چشمان مجلس کتف ۱۴ از غایتین و مزدوران و وطن فروشان جلوگیری خواهیم نمود.

در برابر سبب پیشانی کس که از روح مبارز و آزادی خواه ما سرچشمه می گردید این و مخالفتها را معو و مدعو کرده نضای نری این مسلمان را با جراح علم و سرمدت و دانش روشن خواهیم ساخت.

از تهور و جرات و مبین پرستی و آزادیخواهی خوش خلقین و مغلوب و متکبر ساخته سرخسارهای پیکر کتیب و نجیب وی لنگه کوفی خواهیم نمود. بر طبق مودولایی که امروز کوفه هاملین خارجی را گرفته اند قیام کرده و تا امروز پیروزی آزادی نخواهیم داشت. جهاد و ستیز ما بیشتر با خارجی است که در خود پسر. از خوشین و بدامن بیگانه اعدانه برای پیروزی دشمن میکوشند.

جوانان کرد، جوانان پسر دور و حاسب بیچاره که امروز برای نجات خویش از دست اجنبی تشکیل انجمنها داده اند در مقابل و آتش آزادی قدم بدم باورنشینان و آزادیخواهان این سرزمین به پیش خواهند رفت تا هوش بیچاره را زین فقر از بیچارگی آیین و برانی ازین عین ماندگی نجات یابد و استقلال و سبب و بر گردان آن روزی شرابها را در آب و گل اگله و نام پند و مادر جان نهدند و سبب و هرج و مرج و خرابی و مقل ماندگی بکلی ازین صحنه بر نهد.

از حیث نمان وضع بیچار و وخیم است نماندگی بیچار اطلاع میدهند که طبق اظهار فرماندار غرب و فرس و کتیم و حسل آن آزاده شده و دخالت فرمانداری و قمار داری در امر نان شیرینی و از ۲۲ و ۴ و ۲۵ و دارالی محسول شده است از تمام جمع ۲۵ و ۲۵ و ۲۵ ریال به سه روز سه قیمت نان از یکس ۶ ریال به ۶ ریال تفرقی داده شده جنس خیلی خیلی بی و درد کاین ناوالی هنگامه خرابی است مردم بر نمانشای رسیده گی اجتناماً فرمانداری مراجعه نموده بسوی پاسان مغرب و عده ای در فهر پاسی توفیق گردیده

والها بیچارگی همی است و روزی متجاوز از هشت کاسون کتیم آزاره وسیله مستحکم منوع از شهر خارج میشود و باید مردم بیچاره از کسالت فریاد کنند کسی باشد به داد آید بچاره ما حسن خلق توجه اولیای امور خارج کنندگان کتیم و ملاحظه میکنیم در دیبا همه چیز را برای پول بیاید بخراند.

آیا سزاران استعدادهای در نجات را راستی و منصف بافته و در نظر ما ملاحظه کنیم از اوضاع و احوال برای کسب چه صد تومان پول بر بدبختی مردم بیافزاید.

امروز برای بیچاره افراداً خصوصاً گروه سرمای دار صلاح نیست دست به اقداماتی بزند که مامورا متفرق و آماده به انقلاب بکند.

پول خوب است، خوشی نندارد و اما وقتی که سایر برداران و خواهران هم در آسایش باشند.

امیدواریم این تذکر بیخوشخواه ما مدافعی سنجاب را تاملی مردم را متوجه شود افکند از طمع بنگانه و بدم بردارند.

خبر انجمن بهداشت

مجلسی کردستان

مومین جلسه اجمن در تاریخ ۲۶/۱۲/۲۶ تشکیل گردید ضمن بدهت و رعایت بهداشت و ادین مردم و این محمیم اجاری که موضوع نظافت شهر و اصلاح آبهای جاری و ترمیم و تعمیر و مرود توجه فریاد داده بر نامه بهادتی با در نظر گرفتن وضعیت شهر کتیم و انجمن مواد آن راه بهادری توصیه نماید